

افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی سرمایه گذاری ها چالش های ارائه در صورت های مالی تلفیقی



حمیدخادم

مقدمه

بر مبنای استانداردهای حسابداری دارایی های غیرجاری واحدهای تجاری بر مبنای بهای تاریخی در حساب ها ثبت می شوند. در شرایط تورمی ارزش دفتری این دارایی ها با گذشت زمان از ارزش بازار آنها اختلاف چشمگیری پیدا می کند. از این رو گروهی بر این باورند که تجدید ارزیابی این دارایی ها به بهبود ویژگی مربوط بودن اطلاعات مالی و تحقق هدف کمک به استفاده کنندگان صورت های مالی کمک می کند. مازاد تجدید ارزیابی به عنوان یک درآمد غیر عملیاتی تحقق نیافته در سرفصل حقوق صاحبان سرمایه گزارش می شود. از آن جا که این مازاد درآمد تحقق نیافته است، بنابراین افزایش سرمایه ی مستقیم از محل آن مجاز نیست. مگر در مواردی که به موجب قانون تجویز شده باشد. پیش بینی اجازه ی این انتقال در قوانین مختلف، از جمله، قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تامین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات (۱۳۹۱)، قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی (۱۳۹۸)، قوانین بودجه ی کل کشور (هر سال)، و قوانین برنامه ی توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (ادواری)، منجر به ترغیب شرکت ها به استفاده از این مشوق قانونی شده است، که نهایتاً اختلاف ارزش روز و بهای تاریخی دارایی ها را به حساب سرمایه منتقل می کنند. در این مقاله تلاش شده است ابعاد این موضوع در چارچوب استانداردهای حسابداری ایران و استانداردهای بین المللی حسابداری و گزارشگری مالی با تمرکز بر گزارشگری مالی آن در صورت های مالی تلفیقی مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی استانداردهای حسابداری: ایران و

بین المللی

طبق بند ۲۴ استاندارد حسابداری شماره ی ۱۵، حسابداری سرمایه گذاری ها، سرمایه گذاری هایی که تحت عنوان دارایی غیرجاری طبقه بندی می شوند باید در صورت وضعیت مالی (ترازنامه) به یکی از روش های زیر منعکس شوند:

■ بهای تمام شده پس از کسر هر گونه کاهش ارزش

انباشته، یا

■ مبلغ تجدید ارزیابی به عنوان یک نحوه ی عمل مجاز جایگزین.

در صورت انعکاس به مبلغ تجدید ارزیابی، طبق استاندارد حسابداری شماره ی ۱۱، دارایی های ثابت مشهود، عمل می شود. با این تفاوت که دوره ی تناوب تجدید ارزیابی یک سال خواهد بود. از آن جا که سرمایه گذاری های بلندمدت برای مدت طولانی نگهداری می شوند، ارزش بازار آنها از نظر مربوط بودن به اندازه گیری سود و زیان دوره اهمیت چندانی ندارد. زیرا مدیریت واحد تجاری قصد یا توان آن را ندارد که این سود یا زیان را از طریق فروش آنها محقق کند. به این دلیل، سرمایه گذاری های بلندمدت به بهای تمام شده پس از کسر کاهش ارزش انباشته در صورت وضعیت مالی گزارش می شوند. در نحوه ی عمل مجاز جایگزین نیز این سرمایه گذاری ها را می توان بر اساس مبلغ تجدید ارزیابی شده منعکس کرد. اگر این رویه انتخاب شود، احتساب افزایش ارزش به عنوان درآمد تحقق یافته ی دوره مجاز نیست. مبلغ افزایش به عنوان مازاد تجدید ارزیابی تلقی می شود و در سرفصل حقوق صاحبان سهام انعکاس می یابد. در این حالت، طبق استاندارد حسابداری شماره ی ۱۱ عمل می شود. با این تفاوت که دوره ی تناوب تجدید ارزیابی یک ساله است (بند ۳۵ استاندارد حسابداری شماره ی ۱۵). از سوی دیگر، طبق بند ۴۲ استاندارد حسابداری شماره ی ۱۱، مازاد تجدید ارزیابی به عنوان یک درآمد غیر عملیاتی تحقق نیافته در سرفصل حقوق صاحبان سرمایه منعکس می شود. از آن جا که مازاد تجدید ارزیابی درآمد تحقق نیافته است، افزایش سرمایه ی مستقیم از محل آن مجاز نیست. مگر در مواردی که به موجب قانون تجویز شده باشد. در سالهای گذشته به دفعات این مورد در قوانین مختلف مورد تصویب قرار گرفته است. اگر این اقدام با رعایت ضوابط تعیین شده انجام شود امکان استفاده از نرخ صفر مالیاتی فراهم است.

در استاندارد بین المللی حسابداری شماره ی ۱۶، اموال، ماشین آلات و تجهیزات (IAS 16)، استثنای

قانونی در نحوه‌ی عمل حسابداری و ممنوعیت افزایش سرمایه‌ی مستقیم از محل مازاد تجدید ارزیابی مگر به موجب قانون در نظر گرفته نشده است (بند ۴۱ استاندارد). بنابراین، افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی با استانداردهای بین‌المللی انطباق ندارد. در نتیجه، رویه‌ی عمل حسابداری آن قضاوتی است. بررسی رهنمودهای حسابداری موجود توسط نگارنده نیز منتج به رویه یا رهنمود مشخصی در این ارتباط نشد.^۱ این موضوع از آن جا با اهمیت‌تر می‌شود که در اواخر سال ۱۳۹۸ گزارش‌های توجیهی افزایش سرمایه‌ی شرکت‌های بورسی، به ویژه صنعت خودروسازی، از محل تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت (مشمول بر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در شرکت‌های فرعی) در سامانه‌ی کدال منتشر شده است. حال نظاره‌گر ثبت افزایش سرمایه‌های فوق در شرکت‌های اصلی هستیم و نحوه‌ی انعکاس آنها در صورت‌های مالی تلفیقی به دلیل مغایرت با استانداردهای حسابداری موجود و بین‌المللی قابل تامل است. در ادامه سعی در تشریح این موضوع داریم.

بررسی مجوزهای قانونی

معافیت مالیاتی افزایش سرمایه‌ی واحدهای تجاری از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها به موجب ماده‌ی ۱۷ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده‌ی ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۶ مرداد ۱۳۹۱ (به مدت پنج سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون فوق)، طی بخشنامه‌ی شماره‌ی ۲۰۰/۱۳۳۹۲ مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۱ سازمان امور مالیاتی کشور ابلاغ شد. پیرو آن، آیین‌نامه‌ی اجرایی موضوع ماده‌ی ۱۷ قانون مذکور که طی مصوبه‌ی شماره‌ی ۹۰۸۳۶/ت ۴۸۷۹۳ ه مورخ ۱۸ تیر ۱۳۹۲ با اعمال اصلاحاتی در آیین‌نامه‌ی اجرایی بند ۳۹ قانون بودجه‌ی ۱۳۹۱ کل کشور موضوع تصویب‌نامه‌ی شماره‌ی ۴۸۳۱۹/۱۵۴۰۲۸ ه مورخ ۶ آبان ۱۳۹۱، تنفیذ و به تصویب هیئت وزیران رسید. در تیر ۱۳۹۴ که لایحه‌ی اصلاحیه‌ی قانون مالیات‌های مستقیم تصویب شد، طبق ماده‌ی ۲۸۲

این قانون، مشوق ماده‌ی ۱۷ از ابتدای فروردین ۱۳۹۵ لغو شد و با توجه به متن ماده‌ی ۱۴۹ این قانون شرکت‌ها بابت تجدید ارزیابی دارایی‌ها ملزم به رعایت استاندارد حسابداری شدند (نگهداری مازاد تجدید ارزیابی در حساب جداگانه در حقوق صاحبان سهام).

طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، افزایش نرخ ارز و رشد فزاینده‌ی نرخ تورم، هزینه‌های شرکت‌ها را افزایش داد و منجر به زیان‌ده شدن بسیاری از آنها شد. به طوری که شماری از شرکت‌ها حتی مشمول ماده‌ی ۱۴۱ اصلاحیه‌ی قانون تجارت شدند. تیر ۱۳۹۷ در راستای احکام مالیاتی قانون بودجه، در ارتباط با تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌های موضوع بند "ز" تبصره‌ی ۱۰ قانون بودجه‌ی سال مذکور بخشنامه‌ی شماره‌ی ۲۰۰/۹۷/۲۰ ص مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ از سوی سازمان امور مالیاتی کشور ابلاغ شد. بر این اساس، شرکت‌هایی که بر اساس صورت‌های مالی حسابرسی‌شده‌ی سال ۱۳۹۶ مشمول ماده‌ی ۱۴۱ اصلاحیه‌ی قانون تجارت شده بودند، مشروط بر این که با انجام افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها از شمول ماده‌ی مذکور خارج شوند، مشمول نرخ صفر مالیاتی شدند.

سپس، طبق ماده‌ی ۱۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸، مقرر شد به منظور رونق تولید و ایجاد اشتغال از طریق اصلاح ساختار مالی شرکت‌ها و کارآمدسازی افزایش بهای ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های اشخاص حقوقی موضوع حکم مقرر در تبصره‌ی یک ماده‌ی ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۳ اسفند ۱۳۶۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی، افزایش سرمایه از این محل مجاز و مشروط بر این باشد که ظرف مدت یک سال از تجدید ارزیابی به حساب سرمایه افزوده شود. طبق این ماده، این امر فقط یک بار در هر پنج سال امکان‌پذیر اعلام شد.

نکته‌ی جالب این که، مدیریت نظارت بر بازار اولیه‌ی سازمان بورس و اوراق بهادار نکات تکمیلی درباره‌ی تجدید ارزیابی دارایی‌ها خصوصاً سرمایه‌گذاری‌ها را

در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۹۹ منتشر کرد. یعنی حدوداً یک سال پس از تصویب قانون مذکور و پس از این که شماری از شرکت‌ها از این محل افزایش سرمایه دادند و افزایش سرمایه‌ی آنها هم نزد مرجع ثبت شرکت‌ها ثبت شده است.

چالش انتقال مازاد تجدید ارزیابی به سرمایه

این موضوع در قالب یک مثال تشریح می‌شود. فرض کنید، شرکت اصلی صد در صد سهام شرکت فرعی را به مبلغ ۸۰۰ میلیون ریال تحصیل کرده است. هنگام تحصیل ارزش دفتری و ارزش روز خالص دارایی‌های شرکت فرعی مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال است. یعنی در تاریخ تحصیل مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال سرقفلی تحصیل وجود دارد. پس حذف آن در فرایند تلفیق با ثبت کاربرگی به راحتی امکان‌پذیر است.

سود انباشته/سرمایه	۶۰۰
سرقفلی	۲۰۰
حقوق سهامداران فاقد کنترل	۰
سرمایه‌گذاری	۸۰۰

بدون در نظر گرفتن استهلاک سرقفلی، فرض می‌کنیم شرکت اصلی در سال ۱۳۹۸ به موجب مشوق ماده‌ی ۱۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی، سرمایه‌گذاری در شرکت فرعی را تجدید ارزیابی کرده و مازاد حاصل را با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده به سرمایه منتقل کرده است. فرض می‌شود ارزش روز سرمایه‌گذاری توسط کارشناسان رسمی مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال تعیین شده است. ثبت‌های تجدید ارزیابی و انتقال مازاد حاصل از آن به سرمایه در دفاتر "شرکت اصلی" به شرح زیر بوده است:

شناسایی مازاد تجدید ارزیابی:

سرمایه‌گذاری	۱۲۰۰
مازاد تجدید ارزیابی	۱۲۰۰

انتقال مازاد تجدید ارزیابی به سرمایه:

مازاد تجدید ارزیابی	۱۲۰۰
سرمایه	۱۲۰۰

در پایان سال ۱۳۹۸ شرکت اصلی نسبت به تهیه‌ی

صورت‌های مالی تلفیقی اقدام می‌کند. با در نظر گرفتن ثبت‌های بالا مانده‌ی حساب سرمایه‌گذاری در دفاتر شرکت اصلی در پایان سال ۱۳۹۸ مبلغ ۲,۰۰۰ میلیون ریال است. در حالی که سهم شرکت اصلی از خالص دارایی‌های شرکت فرعی (حقوق مالکانه‌ی تاریخ تحصیل) تنها ۸۰۰ میلیون ریال است. پس با اعمال ثبت حذفی تلفیق حساب سرمایه‌گذاری در کاربرگ تلفیق ۱,۲۰۰ میلیون ریال مانده دارد، که دلیل آن انتقال مازاد تجدید ارزیابی به سرمایه در دفاتر قانونی شرکت اصلی است. این موضوع چون در چارچوب استانداردهای حسابداری نیست، پس نمی‌توان راه حلی طبق این استانداردها یافت. در نگاه نخست، شاید به ذهن برسد که بهتر است آثار این تجدید ارزیابی حذف شود. یعنی حساب سرمایه‌گذاری در کاربرگ تلفیق ۱,۲۰۰ میلیون ریال بستانکار شود. ولی سمت بدهکار این ثبت چه حسابی باید باشد؟ اگر حساب سرمایه بدهکار شود، سرمایه‌ی شرکت اصلی در صورت وضعیت مالی گروه و صورت وضعیت مالی شرکت اصلی متفاوت خواهد شد. حتی مبلغ آن در صورت وضعیت مالی گروه با آگهی تغییرات و سرمایه‌ی ثبتی هم انطباق نخواهد داشت. همچنین، محاسبات سود هر سهم نیز با چالش همراه خواهد شد. پس شاید بهتر باشد به جای کاهش حساب سرمایه، طرف بدهکار این ثبت در یک حساب کاهنده‌ی حقوق مالکانه‌ی گروه اعمال شود. مثلاً حسابی با عنوان "مازاد تجدید ارزیابی انتقالی به سرمایه" که هم سرمایه با آگهی تغییرات انطباق داشته باشد و هم آثار این تجدید ارزیابی در تلفیق حذف شود. فقط در صورت تغییرات حقوق مالکانه باید یک ستون کاهنده (مانند سهام خزانه) به آن اختصاص یابد. البته ایرادی که به این روش وارد است، عدم استهلاک این مازاد در سالهای آینده است.

راه حل دیگر، اعمال تجدید ارزیابی در کاربرگ تلفیق برای شرکت فرعی است. یعنی بر اساس گزارش کارشناسی مابه‌التفاوت ارزش روز و مبلغ دفتری خالص دارایی‌های شرکت فرعی در کاربرگ اعمال و سهم حقوق سهامداران فاقد کنترل (اقلیت)

از آن نیز در صورت وجود شناسایی شود. بر این اساس، دارایی‌های گروه در صورت وضعیت مالی به میزان این مازاد (مبلغ ۱,۲۰۰ میلیون ریال) افزایش می‌یابد، و به مرور زمان در رعایت استانداردهای حسابداری مستهلک می‌شود. این روش نیز منجر به حذف حساب سرمایه‌گذاری به طور کامل می‌شود و آثار استهلاک آن نیز در سال‌های آینده اعمال می‌شود. البته هر چند روش فوق اطلاعات مربوطتری را نسبت به روش اول ارائه می‌نماید ولی بنظر میرسد که روش اول یعنی ارائه یک حساب کاهنده در حقوق مالکانه گروه روش معقول و منطقی‌تری، نسبت به روش دوم باشد.

چالش‌های دیگر

روش‌های فوق نمونه‌هایی از روش‌هایی است که به نظر می‌رسد قابل اعمال باشند. ولی تمام راه‌های موجود نیست. در این ارتباط، مسئله‌ی قابل توجه دیگر این است که دوره‌ی تناوب تجدید ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها سالانه است. حال آیا دوره‌ی تناوب آنها طبق استاندارد موضوعیت دارد؟ یا با در نظر گرفتن پاسخ کمیته‌ی فنی و استانداردهای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (که بیشتر بدان اشاره شد) الزامی به تناوب آن نیست؟ حال اگر سرمایه‌گذاری‌های فوق‌الذکر در سنوات بعد کاهش ارزش داشته باشد (البته این ایراد برای انتقال مازاد تجدید ارزیابی سایر دارایی‌های ثابت به جز سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت به سرمایه هم مصداق دارد) چون مازادی وجود ندارد که از محل آن این کاهش بازیافت شود، آثار کاهش آن باید در صورت سود و زیان جاری انعکاس یابد که خود از مربوط بودن صورت‌های مالی می‌کاهد.

به جز موارد فوق، فرض کنیم شرکت یا شرکت‌های فرعی نیز دارای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت (فاقد نفوذ و کنترل) هستند که به روش بهای تمام شده نگهداری می‌شوند. طبق بند ۲۸ استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۸، صورت‌های مالی تلفیقی و حسابداری سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری فرعی، "صورت‌های مالی تلفیقی باید با استفاده

از رویه‌های حسابداری یکسان در مورد معاملات و سایر رویدادهای مشابهی که تحت شرایط یکسان رخ داده‌اند، تهیه شود. چنانچه رویه‌های حسابداری مورد استفاده یکی از واحدهای تجاری عضو گروه با رویه‌ی به‌کار رفته در تهیه‌ی صورت‌های مالی تلفیقی برای معاملات و سایر رویدادهای مشابهی که تحت شرایط یکسان رخ داده‌اند، تفاوت داشته باشد، صورت‌های مالی واحد مزبور هنگام استفاده از آن برای تهیه‌ی صورت‌های مالی تلفیقی باید به نحو مناسبی تعدیل شود". در این جا این پرسش مطرح می‌شود که این الزام چگونه باید رعایت یا تعدیل شود؟

سخن پایانی

موارد فوق تنها تشریح چالش‌های موجود بود و مسلماً ارائه‌ی راهکار یا رهنمود قطعی در ارتباط با نحوه‌ی ارائه و افشا در صورت‌های مالی تلفیقی نیست. زیرا سازمان حسابرسی به عنوان متولی تدوین استانداردهای حسابداری در کشور باید با در نظر گرفتن زوایای مختلف موضوع، رهنمودی صریح و روشن درباره‌ی این موارد و نحوه‌ی ارائه و افشای آنها در صورت‌های مالی تلفیقی ارائه کند. علاوه بر چالش‌های حسابداری و گزارشگری مالی انتقال مازاد تجدید ارزیابی به سرمایه، از منظر قانونی نیز این نکته قابل توجه است که افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی از جمله مصادیق ماده‌ی ۱۵۸ اصلاحیه‌ی قانون تجارت برای افزایش سرمایه نیست. ■

پی‌نوشت‌ها:

۱- درباره‌ی ادامه‌ی دوره‌ی تناوب آن پرسش و پاسخ فنی و استانداردهای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران به شماره‌ی ۹۳ مورخ ۱۱ بهمن ۱۳۹۵ در دسترس است. با احترام به نظر کارگروه محترم، به نظر می‌رسد پاسخ بیان‌شده با مفاهیم ارزشیابی تجدید شناخت دارایی‌ها انطباق ندارد و منجر به ارائه‌ی اطلاعات مربوطتر نمی‌شود.

حمیدخادم: حسابدار رسمی، دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد